



بررسی محاسن و معایب آموزش مجازی از نگاه دبیران متوسطه دوم شهر بهارستان

مشکات نادری

دانشجوی کارشناسی آموزش ابتدایی، دانشگاه فرهنگیان اصفهان

Meshkat1@chmail.ir

چکیده:

با شیوع ویروس کرونا و تعطیلی مدارس، ادامه جریان آموزش با چالشی جدی مواجه شد؛ یکی از راهکارها استفاده از پیام رسان ها (نظیر واتساپ، بله و شاد) بود. هدف از انجام این پژوهش بررسی محاسن و معایب آموزش مجازی از نگاه دبیران متوسطه شهر بهارستان بود که به صورت کیفی و توصیفی انجام گرفت. جامعه آماری، دبیران متوسطه دوم شهر بهارستان و نمونه آماری، معلمان شاغل و علاقه مند به شرکت در پژوهش بودند. بر اساس اهداف پژوهش، سوالات مصاحبه به صورت نیمه ساختار یافته تدوین گردید و در اختیار مصاحبه شوندهان قرار گرفت. برای تحلیل یافته ها نیز همزمان با انجام مصاحبه ها، تحلیل و تفسیر آنها با پیروی از مراحل تحلیل تفسیری گیلهام (۲۰۰۰) انجام گرفت. یافته های حاصل از این مطالعه ی کیفی حکایت از این داشت که عوامل متعددی از قبیل: مشکل در اتصال و سرعت بسیار پایین اینترنت، هزینه های بالا برای خرید بسته های اینترنت، کمبود امکانات برای معلمان و دانش آموزان از جمله: نداشتن تلفن همراه هوشمند و عدم دسترسی آسان به شبکه مجازی، و مشکلات جسمی معلمان در اثر استفاده از وسایل هوشمند، بر روند آموزش غیرحضوری اثر بازدارنده ای داشته است و فرصت هایی همچون: آشنایی بیشتر معلمان با آموزش مجازی، تهیه محتوای آموزشی جدید و رفع نواقص تدریس مجازی را فراهم کرده است. نتایج حاصله نشان داد با اهمیت یافتن آموزش مجازی به عنوان روشی جایگزین برای آموزش حضوری، بسترسازی قوی، رفع مشکلات و ایجاد تمهیدات لازم جهت پیشبرد بهتر فرایند آموزشی کشور ضروری به نظر می رسد.

واژگان کلیدی: آموزش مجازی، ارزشیابی، دانش آموزان، معلمان، یادگیری

۱- مقدمه: بشر همواره در طول زندگی خود، در حال فراگیری و کسب دانش بوده که با گسترش فناوری، مقوله آموزش نیز از آن بی بهره نمانده و گام به گام با فناوری ها هماهنگ و تقویت گردیده است؛ بنابراین تحصیل کردن یکی از نیازهای اساسی اوست و بدیهی است که برای زندگی در جامعه پیشرفته امروز که اطلاعات دم به دم در حال تغییر و پیشرفت است، انسان بی خبر از این تغییرات انسانی بی ثبات و جدا مانده از جامعه محسوب میشود. از طرف دیگر با افزایش جمعیت، جامعه نمی تواند پاسخگوی تمامی افراد به آموزش باشد؛ بنابراین باید راهبردی یافت که با کمترین هزینه، آموزش برای همگان میسر شود (آقا کثیری و فاضلیان، ۲۰۰۶). روند آموزش و یادگیری در سیر تاریخی خود همواره با الهام از تجارب قبلی به تکمیل روش های گذشته منجر شده است. آموزش های یک طرفه و قدرت مدار به سبک های تعاملی و گروه مدار هدایت شده و روش های مبتنی بر تفکر واگرا بر تفکر همگرا غالب شده است. آموزش دهنده به عنوان مرجع قدرت و دانای کامل، جای خود را به تسهیل گر و راهبر داده است. تکنولوژی به عنوان یک موضوع فانتزی و لوکس جای خود را به تکنولوژی به عنوان مکمل جریان آموزش داده و تکلیف به عنوان یک وظیفه و عمل به مرور به مهارت به عنوان یک نیاز جای خود را باز کرده است و یادگیری لذت بخش به عنوان یک هدف معرفی می شود.